

باقی مانده‌های آشویتس

| شاهد و بایگانی |

| جورجوا آگامبن | مجتبا گل محمدی |

Remnants of Auschwitz

| Giorgio Agamben | Mojtaba Golmohammadi |

| چاپ سوم |



فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۳	پیش‌گفتار
۱۷	فصل یکم - - شاهد
۴۷	فصل دوم - - تسلیم شده
۹۷	فصل سوم - - شرم یا درباره سوژه
۱۵۱	فصل چهارم - - بایگانی و شهادت

یادداشت مترجم

جورجو آگامبن در کتاب باقی مانده‌های آشویتس: شاهد و بایگانی (یا از آشویتس چه می ماند) پروژه هومو ساکرا را ادامه می دهد، پروژه ای پژوهشی که او پیش از آن با کتاب درخشان هومو ساکر: حیات برهنه و قدرت حاکم آغاز کرده بود و سال های پس از آن را نیز درگیر نگارش و انتشار جلد های پر شمار دیگر آن بود. آگامبن در این کتاب می کوشد معنا و امکان شهادت را روشن سازد. او در مقابل موضع «بیان ناپذیری» اردوگاه و سکوت درباره آشویتس، شروع به سخن گفتن می کند و به تاسی از پریمو لوی، پرسش از اقتدار شاهد را پیش می کشد: چگونه نجات یافتگان می توانند به نیابت از غرق شدگان سخن بگویند و به جای آنها شهادت دهند؟ چگونه آنان می توانند به تجربه ای گواهی دهند که خودشان نیز از سر نگذرانده اند؟ آگامبن ویرانه های اخلاقیات آشویتس را برای طرح نوعی اخلاق نوین شهادت جست و جو می کند. نتیجه این جست و جو کتابی است تحریک برانگیز درباره آشویتس که اندکی پس از انتشارش به زبان ایتالیایی آغازگر بحث های دامنه داری شد.

در ترجمه کتاب آگامبن به زبان فارسی، متأسفانه، به دلیل نبود نسخه اصلی ایتالیایی، از دو نسخه انگلیسی و آلمانی این کتاب استفاده کردم. متن اولیه بر اساس ترجمه انگلیسی دنیل هلر-روزن به فارسی برگردانده شد و سپس با ترجمه آلمانی اشتفان مونهارت مقابله شد. مترجم در اینجا

فصل یکم:

شاهد

۱-۱

در اردوگاه، یکی از دلایلی که می‌تواند یک زندانی را به زنده ماندن برانگیزد فکر بدل شدن به یک شاهد است. «عزمم را جزم کردم که، به رغم هر آنچه شاید به سرم می‌آمد، خودم را سر به نیست نکنم... چون نمی‌خواستم آن شاهدهی را سرکوب کنم که می‌توانستم به آن بدل شوم.»^۱ البته، نه همه تبعیدشدگان، بلکه در حقیقت فقط بخش کوچکی از آنان این دلیل را می‌آورند. به آسانی می‌توان به میل خود دلیلی برای بقا یافت: «او می‌خواهد به این یا آن دلیل زنده بماند، به خاطر این یا آن هدف، و صدها بهانه پیدا می‌کند. حقیقت این است که او می‌خواهد به هر قیمتی زنده بماند.»^۲ و یا این دلیل می‌تواند به سادگی انتقام باشد: «طبعاً می‌توانستم بدوم و خودم را روی سیم خاردار پرت کنم، چون همیشه می‌توانستی این کار را بکنی. ولی من می‌خواهم زنده بمانم. و اگر آن معجزه‌ای که همه ما منتظرش هستیم رخ دهد چطور؟ شاید آزاد شویم، همین امروز یا فردا. آن وقت انتقامم را می‌گیرم، آن وقت به تمام دنیا می‌گویم که در اینجا - آن

1. Hermann Langbein, *Auschwitz: Zeugnisse und Berichte*, eds. H. G. Adler, Hermann Langbein, end Ella Lingens-Reiner, Frankfurt am Main: Athenaeum, 1988, p: 186.
2. S. Lewental, *Gedenkbuch, Hefte von Auschwitz 1*, Oswiecim: Staatliches Auschwitz-Museum, 1972, p: 148.